



انتشارات سروش مولانا
Soroosh-e Mowlana Pub.



انتشارات سروش مولانا
Soroosh-e Mowlana Pub.



سرشناسه: بوت، اریک آر، ۱۹۸۴-م. Boot, Eric R. , 1984-
عنوان و نام پدیدآور: اخلاق سوت زنی/ نوشته اریک بوت؛ ترجمه ایمان عباس نژاد.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی سروش مولانا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۱۶۳-۶-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: عنوان اصلی: The Ethics of Whistleblowing.
موضوع: نظم عمومی (حقوق) Public policy (Law)
موضوع: افشاکری -- قوانین و مقررات Whistle blowing -- Law and legislation
شماره افزوده: عباس نژاد، ایمان، ۱۳۷۶-، مترجم
رده بندی کنگره: K۳۷۸
رده بندی دیویی: ۱۷۲/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۲۶۴۰۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

اخلاق سوت زنی

اریک بوت

ترجمه ایمان عباس نژاد



اخلاق سوت زنی

اریک بوت

مترجم: ایمان عباس نژاد

صفحه آرایی: الهام خلیلی

چاپ: ایده آل

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد/چاپ اول، پاییز ۱۴۰۱

قیمت: ۱۰۵ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۱۶۳-۶-۵

حق چاپ محفوظ است. هرگونه چاپ و برداشت از متن یا قسمتی از آن منوط به اجازه کتبی از ناشر است.

انتشارات سروش مولانا: تهران، شهرآرا، بلوار غربی

مجتمع کوشک، واحد ۵۰۱ - کدپستی: ۱۴۴۴۹۴۴۵۴۰

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۴۸۷۹۱۲

مرکز پخش: دوستان، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۰۹۸۷

فروشگاه اینترنتی: www.rumi.ir

شبکه اجتماعی: [instagram.com/sorooshemowlana](https://www.instagram.com/sorooshemowlana)

این کتاب با کاغذ بالک، دوستدار محیط زیست تهیه شده است.

تقديم به:

ح.م.

[تقديمه مترجم]



فهرست

مقدمه مترجم / ۱۱

۱. مقدمه / ۱۵

۲. نادرستی در نگاه نخستین / ۳۳

۱.۲. وظایف برخاسته از عهد و پیمان / ۳۵

۲.۲. وظایف شغلی / ۴۲

۳.۲. وظیفه محترم دانستن توزیع عادلانه قدرت / ۵۱

۴.۲. نتیجه / ۵۳

۳. منافع عمومی و توجیه سوت‌زنی / ۵۵

۱.۳. سه نظریه رایج درباره منافع عمومی / ۵۸

۱.۱.۳. خوانش تجمیعی / ۵۹

۲.۱.۳. خوانش رویه‌ای / ۶۲

۳.۱.۳. خوانش وحدت‌گرا / ۶۵

۲.۳. خوانش مدنی از منافع عمومی / ۶۶

۳.۳. شروط رویه‌ای سوت‌زنی موجه / ۷۳

۴.۳. نتیجه‌گیری / ۸۱

۴. دفاعیه‌های حقوقی ممکن از سوت‌زنی موجه (۱) / ۸۳

۱.۴. مشکلات دفاعیه‌ای حق‌محور و مبتنی بر حقوق فردی / ۸۴

۲.۴. هیچ حق اخلاقی برای سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی شده وجود ندارد / ۹۲

- ۱.۲.۴. سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی‌شده به‌مثابه عملی در نگاه نخستین نادرست / ۹۳
- ۲.۲.۴. حقی اخلاقی برای انجام دادن کار نادرست؟ / ۹۵
- ۳.۲.۴. نافرمانی مدنی و حق انجام دادن کار نادرست / ۹۸
- ۴.۲.۴. براساس وجود حقی اخلاقی برای انجام دادن کار نادرست نمی‌توان حقی اخلاقی برای سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی‌شده قائل شد / ۱۰۱
- ۳.۴. نتیجه‌گیری / ۱۰۵
۵. دفاعیه‌های حقوقی ممکن از سوت‌زنی موجه (۲) / ۱۰۷
- ۱.۵. دفاعیه مبتنی بر منافع عمومی از سوت‌زنی / ۱۰۹
- ۲.۵. اعتراضاتی به دفاعیه پیشنهادی / ۱۲۴
- ۳.۵. تطبیق این دفاعیه در مطالعات موردی / ۱۳۱
- ۱.۳.۵. ساموئل ال. موریسون - بدون دفاع / ۱۳۲
- ۲.۳.۵. چلسی مَنینگ - تخفیف در مجازات / ۱۳۲
- ۳.۳.۵. ادوارد اسنودن - دفاع کامل / ۱۳۷
- ۴.۵. نتیجه‌گیری / ۱۴۰
۶. سوت‌زنی الزامی / ۱۴۳
۱. فرد به‌میزانی که در تخلفات جمعی مشارکت دارد، در قبالش مسئول است / ۱۴۸
۲. کارمندان دولت مسئول تخلفات دولتی هستند، به‌میزانی که در آن مشارکت دارند / ۱۵۵
۳. مسئول تخلف بودن سبب پیدایش الزام به اصلاح‌گری و جبران می‌شود / ۱۶۰
۴. مؤثرترین راه برای اصلاح تخلفات طبقه‌بندی‌شده دولت افشا کردن آن تخلف نزد عموم است / ۱۶۰
۵. آن دسته از کارمندان دولت که در تخلفات دولتی طبقه‌بندی‌شده شریک‌اند (و لذا مسئول وقوع آن تخلفات‌اند) الزامی بر دوش دارند که زمانی که افشاگری مؤثرترین راه برای رسیدگی به این تخلف بود، آن را افشاکنند / ۱۶۳

۶. میزان قوت و ضعف الزام کارمندان دولتی به افشای تخلفات
محرمانه دولت در صورت مشارکت در آن، بر اساس این متغیرها
تغییر می‌کند: (۱) شدت تخلف مدنظر (۲) میزان مسئولیت فرد
در قبال آن تخلف (۳) میزان مشارکت فرد در آن تخلف / ۱۷۰

نتیجه‌گیری / ۱۸۱

نمایه / ۱۸۳



مقدمه مترجم

کتاب حاضر ترجمه‌ای است از *The Ethics of Whistleblowing* نوشته اریک بوت، که در سال ۲۰۱۹ از سوی انتشارات راتلج منتشر شد. مراد از سوت‌زنی به‌طور کلی افشا کردن تخلفات است. وجه تسمیه این کار به سوت‌زنی اقدام پلیس‌های انگلستان در قدیم بوده است که با دیدن متخلف سوت می‌زدند تا دیگر همکارانشان و مردم را از حضور مجرم در آن حوالی آگاه کنند.

بارشد و گسترش رسانه‌های جمعی و آزاد، و پیدایش نمونه‌هایی مثل افشاگری‌های ادوارد اسنودن و چلسی منینگ بحث از ابعاد مختلف سوت‌زنی در اخلاق کاربردی و حقوق جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و توجه اندیشمندان این حوزه‌ها و قانون‌گذاران و عموم مردم را به خود جلب کرد. این بحث‌ها به قدری جدی شد که اکنون در بعضی از کشورها قانون‌هایی درباره اقسام مختلف سوت‌زنی تصویب شده و در صیانت از بعضی اقسام سوت‌زنی در بعضی از کشورهای اروپایی قوانینی وجود دارد.

مراد نویسنده در این کتاب صرفاً سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی شده است، به این معنا که سوت‌زنی نزد عموم مردم (معمولاً از طریق رسانه‌ها) انجام شود، و این افشاگری حاوی تخلفاتی باشد که طبقه‌بندی شده و محرمانه است. در واقع،

نویسنده افشا کردن درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی (نزد مراجع نظارتی مستقل) را مدنظر ندارد، بلکه پرسش از ابعاد اخلاقی افشاگری غیرقانونی اسناد طبقه‌بندی‌شده سازمانی و دولتی است.

نویسنده نخست از این پرسش بحث می‌کند که آیا چنین کاری اخلاقاً موجه است؟ پاسخ او به این پرسش این است که این کار به دلایلی که مفصلاً شرح می‌دهد در نگاه نخستین نارواست، چرا که افشاگری غیرقانونی تخلف دولت یا سازمان‌ها دست‌کم با سه دسته از وظایف اخلاقی ما در تعارض است. در ادامه درباره مفهوم «منافع عمومی» بحث مفصلی را مطرح می‌کند و خوانش‌های مختلف از این مفهوم را نقادی، و خوانش مدنظر خود را ارائه می‌کند. به باور نویسنده نادرست بودن سوت‌زنی (به معنایی که گفتیم) در نگاه نخستین است و می‌تواند نقض شود. سوت‌زنی به شرط رعایت سه شرط می‌تواند از نظر اخلاقی مجاز باشد: افشای آن اطلاعات به نفع منافع عمومی باشد، سوت‌زنی آخرین راه چاره باشد و سوت‌زن در این افشاگری کارهای لازم برای به حداقل رساندن آسیب‌های احتمالی ناشی از افشاگری را انجام داده باشد. این سه شرط قوت یکسانی ندارند و شرط اول نقشی اساسی دارد، به‌گونه‌ای که اگر شرط اول محقق نباشد به هیچ وجه سوت‌زنی نمی‌تواند موجه باشد، اما دو شرط دیگر که ناظر به رویه انجام دادن سوت‌زنی است در دفاعیه‌های حقوقی و بحث‌های مربوط به مجازات سوت‌زن خودشان را نشان می‌دهند. نویسنده معتقد است دفاعیه حقوقی بر اساس حقوق فردی افراد نمی‌تواند در صیانت از سوت‌زنان راه‌گشا باشد و به جای آن باید دست به دامان دفاعیه مبتنی بر منافع عمومی شد. در گام آخر نیز، از این بحث می‌شود که آیا ممکن است سوت‌زنی علاوه بر روا بودن، وظیفه الزامی کسی باشد. پاسخ نویسنده به این پرسش مثبت است، اما با شروط خاصی که مفصلاً در فصل آخر از آن بحث کرده و به اشکالات وارد به دیدگاه خودش پاسخ داده است. نویسنده در موضوعات مختلف مطالبش را بر نمونه‌های عینی و واقعی سوت‌زنی تطبیق می‌دهد که کاربرد عملی این بحث‌های علمی را به روشنی برای خواننده آشکار می‌سازد.

مواجهه علمی و به دور از تعصب با این پدیده برای به وجود آمدن قوانین جامع و عادلانه درباره سوت‌زنی و سوت‌زن ضروری است. در کشور ما نیز پس از چند نمونه افشای تخلفات گسترده سازمان‌ها، توجه به سوت‌زنی بیشتر شده است. برخی از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها سامانه‌هایی برای سوت‌زنی کردن افراد (البته به معنای افشای قانونی و درون‌سازمانی فساد) تهیه کرده‌اند و درباره ضرورت حمایت از سوت‌زنان و افشاکنندگان فسادهای دولتی نکاتی را مطرح کرده‌اند. طرح مربوط به سوت‌زنی نیز چند وقتی است در مجلس مطرح است. با این حال، عجیب است که در زبان فارسی در خصوص ابعاد علمی این پدیده کتابی وجود ندارد (دست‌کم من چنین کتابی نیافتم). لذا پس از مطالعه این کتاب بسیار دقیق و در عین حال مختصر، بر آن شدم که آن را به فارسی ترجمه کنم.

قانون‌گذاران، کارمندان دولتی، اهالی رسانه و همه کسانی که در محل کارشان با تخلفی روبه‌رو می‌شوند (و بعضاً در دوراهی مشارکت در آن تخلف یا از دست دادن شغل و ... قرار می‌گیرند) از مخاطبان خاص این کتاب‌اند؛ و به‌طور کلی مطالعه این کتاب برای همه می‌تواند مفید باشد، چراکه لاجرم همه در مواجهه با افشاگری‌هایی در جامعه قرار می‌گیریم که درباره منزلت اخلاقی آن کار (و متعاقباً مجازات عادلانه سوت‌زن) بحث و داوری می‌کنیم. امیدوارم این کتاب آغازی باشد بر بیشتر شدن بحث‌های اخلاقی و حقوقی درباره ابعاد و اقسام مختلف سوت‌زنی، و در جامعه‌ای که شاید بعضاً قضاوت‌های اخلاقی بر اساس حب و بغض و منفعت سیاسی انجام می‌شود، افراد را یاری کند تا درباره نمونه‌های مختلف سوت‌زنی قضاوتی علمی و اخلاقی داشته باشند و در آخر امیدوارم این بحث‌های علمی سبب تهیه قانونی جامع و عادلانه درباره سوت‌زنی در کشورمان شود.

گر سگی کردیم ای شیرآفرین
شیر را مگمار بر ما زین کمین

مقدمه

بد نیست با پرونده‌ای آغاز کنیم که احتمالاً کثیری از خوانندگان با آن آشنا هستند: افشاگری‌های ادوارد اسنودن^۱ درباره برنامه‌های نظارت گستردهٔ آژانس امنیت ملی (ان‌اس‌آی). من با ارائه بحث مختصری از این پرونده می‌توانم درون‌مایه‌های کلی این کتاب و بخشی از پرسش‌های اصلی‌اش را توضیح دهم، و همچنین می‌توانم آشکارا تبیین کنم کانون توجه منحصر به فرد کتاب حاضر، که درباره سوت زنی نوشته شده است، روی چه چیزی است. اسنودن تقریباً ۱٫۷ میلیون سند طبقه‌بندی شده [محرمانه] دولت ایالات متحده را دانلود کرد و در اختیار خبرنگارانی از گاردین و واشنگتن‌پست قرار داد

1. Edward Snowden

گاردین سپس از روزنامه‌نگارانی از پروپابلیکا^۱ و نیویورک‌تایمز برای انتشار این اسناد کمک گرفت).^۲ یکی از چیزهایی که این اسناد نشان دادند این بود که سوابق اطلاعات تلفن و اینترنت مردم آمریکا در مقیاسی حقیقتاً عظیم تحت نظارت [آژانس امنیت ملی] قرار دارد.^۳ اسنودن، که نزد گروهی قهرمانی است سزاوار احترام، و نزد عده‌ای دیگر خائنی سزاوار دشنام، این مسئولیت را به عهده گرفت که این اسناد را (پس از انجام اصلاحات لازم برای انتشار و از طریق رسانه‌های خبری مذکور) به صورت عمومی منتشر کند. از طرفی افشاگری‌های او باعث شد قاضی دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده برنامه جمع‌آوری اطلاعات ان‌اس‌ای را به دلیل نقض متمم چهارم قانون اساسی، خلاف قانون اساسی بداند.^۴ به همین صورت، دادگاه تجدید نظر فدرال نیز مجموعه سوابق ارتباطی ان‌اس‌ای را غیرقانونی دانست.^۵ افزون بر آن، در پی افشاگری‌های اسنودن کنگره مصوبه آزادی ایالات متحده را تصویب کرد که بر اساس آن در برنامه جمع‌آوری اطلاعات انبوه ان‌اس‌ای باید اصلاحاتی حیاتی صورت می‌گرفت. علاوه بر این، در فاصله کوتاهی پس از افشاگری‌های اسنودن مجمع عمومی سازمان ملل در اعلامیه‌ای حریم خصوصی آنلاین را یکی از حقوق اساسی بشر دانست.^۶

1. ProPublica

2. Strohm, Chris, and Del Quentin Wilber. 2014.

پنتاگون می‌گوید اسنودن بیشتر اسراری که ایالات متحده تاکنون داشته است را برداشته است: Rogers. *Bloomberg News*, January 10. Retrieved from: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-01-09/pentagon-finds-snowden-took-1-7-million-files-rogers-says>.

۳. توجه کنید که «در یک بازه زمانی ۳۰ روزه که در فوریه ۲۰۱۳ به پایان می‌رسد، یکی از واحدهای ان‌اس‌ای صرفاً از طریق سیستم‌های ارتباطی ایالات متحده بیش از سه میلیارد داده ارتباطی جمع‌آوری کرد» (Greenwald, Glenn. 2015. *No Place to Hide: Edward Snowden, the NSA and the Surveillance State*. London: Penguin Books. 30).

4. Gerstein, Josh. 2013. Judge: NSA Program Likely Unconstitutional. *Politico*, December 12.

5. Stempel, Jonathan. 2015. NSA's Phone Spying Program Ruled Illegal by Appeals Court. *Reuters*, May 7.

6. United Nations General Assembly. *The Right to Privacy in the Digital Age*. UN. Doc A/RES/68/167 (December 18, 2013).

نهایتاً، افشاگری‌های او موجب دامن زدن به بحث‌های عمومی گسترده‌ای در سراسر جهان شد، بحث‌هایی درباره موضوع ارزش اساسی حریم خصوصی، امنیت و شفافیت. به نظر می‌رسد این واقعیات حاکی از اینند که افشاگری‌های اسنودن پرده از خطاهای جدی دولت برداشت و این کارش حقیقتاً به نفع «منافع عمومی» بود (اصطلاح «منافع عمومی» را در فصل سوم بیشتر تعریف می‌کنیم).

اما از طرف دیگر برخی اشاره کرده‌اند که افشاگری‌های اسنودن جلوی کارکرد برخی برنامه‌های ان‌اس‌ای را گرفت، برنامه‌هایی که در جلوگیری از حملات تروریستی حقیقتاً مؤثر بودند. گروه بررسی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات که از سوی رئیس جمهور تشکیل شد نتیجه گرفت که مثلاً بخش ۷۰۲ مصوبه نظارت بر اطلاعات خارجی، در جمع‌آوری اطلاعاتی که در بیش از پنجاه پرونده تحقیق ضد تروریستی به کار می‌آمدند، نقش مهمی داشته است؛ این مصوبه به جامعه اطلاعاتی آمریکا اجازه می‌دهد اطلاعات افراد غیر آمریکایی را که برای مقاصد اطلاعاتی خارجی در بیرون از ایالات متحده سکونت دارند هدف نظارت‌های خود قرار دهد. گروه بررسی رئیس جمهور به این باور رسید که بخش ۷۰۲ «در تلاشی ملی برای جلوگیری از وقوع حملات تروریستی در سراسر جهان نقشی مهم داشته است».^۱ آشکار شدن این برنامه، که یکی از پیامدهای افشاگری‌های اسنودن بود، عملکرد آن را مختل کرده است.^۲ با این حال، این پرسش که آیا موفقیت‌هایی که (برخی از) برنامه‌های نظارت ان‌اس‌ای به ارمغان آورده است بر خسارتی که به حریم خصوصی وارد کرده است می‌چربد یا خیر، همچنان پرسشی گشوده است.

1. The President's Review Group on Intelligence and Communications Technologies. 2013. *Liberty and Security in a Changing World*. December 12. 144-5.
2. Benkler, Yochai. 2014. A Public Accountability Defense for National Security Leakers and Whistleblowers. *Harvard Law and Policy Review* 8: 281-326. 322.

با این حال، بنکلر معتقد است جمع‌آوری داده‌هایی که ذیل بخش ۷۰۲ انجام می‌شد بر زندگی غیرنظامیان بی‌گناه در خارج از آمریکا و زندگی شهروندان آمریکایی تأثیر بسیاری داشته است و لذا نیاز است در این باره مناظره‌ای دموکراتیک صورت گیرد.

برخی دیگر به دلیل اینکه اسنودن به شیوه‌ای یک طرفه عمل کرد از او انتقاد می‌کنند. همان‌طور که شانا شفرین^۱ گفت افشاگری‌های اسنودن صرفاً انتقادی سیاسی از برنامه نظارت ان‌اس‌ای نبود، بلکه این افشاگری‌ها «فعل‌گفتاری سیاسی» به حساب می‌آمد. به عبارت دیگر، افشاگری‌های او صرفاً نقادی سیاست‌هایی خاص نبوده است، بلکه به تصمیم سیاسی یک جانبه‌ای ختم شد. افشاگری‌های غیرقانونی، مثل کاری که اسنودن بی‌واسطه [شخصاً] و با نمایشی عمومی انجام داد، تصمیم به مخفی نگه داشتن بعضی اطلاعات را باطل می‌کند، تصمیمی که از سوی مقاماتی اتخاذ شده است که به نحوی دموکراتیک انتخاب شده‌اند؛ اما این پیمانکار شرکت بوز آلن همیلتون^۲ در چه جایگاهی است که برای میلیون‌ها آمریکایی تصمیم بگیرد که چه چیزی باید عمومی شود و چه چیزی باید مخفی بماند؟ آیا تصمیم‌گیری در این باره وظیفه نمایندگان ما در دولت نیست؟

بحث مختصری که از پرونده اسنودن داشتیم نشان می‌دهد که داوری درباره چنین پرونده‌هایی اصلاً و ابداً کار آسانی نیست و بنابراین، چنان‌که کمی بعد استدلال می‌کنم، نیازمند تأملات فلسفی مستمر است. پرونده اسنودن همچنین مثال آشکاری است از بحث سوت‌زنی^۳ که تمرکز من در این کتاب بر آن است و من آن را سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی شده می‌دانم: «طبقه‌بندی شده» را به این جهت استفاده می‌کنم که بحث رازهای دولت مطرح است، و «عمومی» را از این جهت می‌آورم که اطلاعات (معمولاً از رهگذر رسانه‌ها) برای عموم آشکار می‌شود، نه اینکه افشای اطلاعات برای بدنه نظارتی

1. Seana Shiffrin

۲. نویسنده در اینجا به شرکت بوز آلن همیلتون کنایه می‌زند. شرکت همیلتون در زمینه مدیریت فناوری و سرویس‌های امنیتی و مدل‌سازی مشاوره می‌دهد. گفته می‌شود ۹۹ درصد درآمد سالیانه این شرکت از قراردادهایش با دولت فدرال ایالات متحده تأمین می‌شود. گویا اسنودن در آخرین شغل خود کارمند مستقیم ان‌اس‌ای نبوده بلکه کارمند شرکت همیلتون به حساب می‌آمده است. (م)

3. whistleblowing

درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی باشد. به این دلیل بر افشاگری‌های عمومی تمرکز می‌کنیم که داوری درباره این نوع افشاگری‌ها بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر از داوری درباره رسیدگی کردن به تخلف از طریق راه‌های مناسب [درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی] است؛^۱ منظور از داوری هم این است که آیا فلان افشاگری غیرقانونی خاص موجه است یا خیر. در واقع، غالباً هدف آشکار قانون صیانت از سوت‌زن مهیا کردن گزینه‌هایی ایمن و قانونی است تا از راه‌های درون‌سازمانی یا (اگر راه درون‌سازمانی شکست خورد یا انتظار می‌رود که بی‌اثر باشد) از راه‌های برون‌سازمانی و از طریق نهادهای نظارتی مناسب به تخلفات رسیدگی شود تا با این کار دیگر به افشاگری‌های غیرقانونی، که مسئله‌ای به مراتب دشوارتر است، نیازی نباشد.^۲ مادامی که چنین قانونی در حال اجرا باشد و به خوبی کار کند، سوت‌زنی عملی کاملاً قانونی است و از نظر اخلاقی هیچ اشکالی ندارد.^۳ با این حال، داستان سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی شده کاملاً متفاوت است، زیرا این نوع سوت‌زنی معمولاً مستلزم قانون‌شکنی و زیر پا گذاشتن تعدادی از وظایف است (مثلاً وظایفی که به خاطر تعهد دادن بر دوش ما قرار گرفته است)؛

۱. برای یافتن مطالبی درباره رسیدگی به تخلفات از طریق راه‌های مناسب درون‌سازمانی و برون‌سازمانی رجوع کنید به:

Ceva, Emanuela, and Michele Bocchiola. 2018. Personal Trust, Public Accountability, and the Justification of Whistleblowing. *Journal of Political Philosophy*. Advance online publication. doi: 10.1111/jopp.12170.

۲. لذا یکی از اهداف قانون صیانت از سوت‌زن هلند (۲۰۱۶) این بود که گزینه‌های بدیل ایمنی را مهیا کند تا نگرانی افراد درباره تخلفات احتمالی شنیده شود و از این طریق افشاگری کردن نزد رسانه‌ها دیگر کاری غیرضروری و زائد به حساب آید:

Voorstel van wet van de leden Van Raak, Fokke, Schouw, Segers, Ouwehand en Klein tot wijziging van de Wet Huis voor klokkenluiders (Proposal for an amendment of the Dutch Whistleblowing Protection Law), *Kamerstukken (Parliamentary Papers)* II 2014/15, 34105, 7, p. 23.

۳. البته وجود این قانون صیانت از سوت‌زن همواره نمی‌تواند از مانع‌تراشی‌های غیررسمی جلوگیری کند (مثل منتقل کردن آن فرد به بخشی دیگر، راه ندادن او به جلسات مهم یا طرد شدن از سوی همکاران).

این مسئله همچنين پرسش‌های اخلاقی کاملاً متفاوتی را مطرح می‌کند که بیشتر به نافرمانی مدنی شباهت دارند تا شیوه‌های قانونی رسیدگی به تخلفات (با این حال این مسئله با نافرمانی مدنی هم فرق‌های مهمی دارد و در فصل چهارم آن را خواهیم دید). افزون بر آن، دلیل تمرکز من بر افشا کردن اسرار دولتی (و نه شرکتی) این بوده که ملاحظات فلسفی سیاسی‌ای که این کتاب ارائه می‌دهد به خصوص در بحث از این نوع افشاگری‌ها به درد می‌خورد. البته من متوجه‌ام که همواره نمی‌توان خط مرز روشنی میان شرکت‌ها و عموم مردم کشید. مثلاً خود اسنودن کارمند دولت نبود، بلکه حقوق‌بگیر [شرکت] بوز آلن همیلتون بود. او پیمانکار باواسطهٔ آژانس امنیت ملی بود، اما با این حال از شرکتی خصوصی حقوق می‌گرفت. با همه این احوال پروندهٔ اسنودن نمونه‌ای است از سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی‌شده، زیرا اسنادی که منتشر کرد اسناد دولتی بودند.

آخرین توضیح من درباره گستره مباحث این کتاب در خصوص انواع جوامعی است که تحقیق ما درباره افشاگری‌های غیرقانونی محدود به آن جوامع می‌شود. این تحقیق درباره سوت‌زنی صرفاً شامل حال حکومت‌هایی می‌شود که به تعبیر جان رالز «تقریباً عادل» هستند. مراد رالز از این عبارت حکومت‌هایی است که دولتی دموکراتیک و نظامی مبتنی بر قانون اساسی دارند که کم‌وبیش دو اصل عدالت را رعایت می‌کنند؛^۱ ولی با این حال مصادیق خطرناکی از بی‌عدالتی در آن‌ها رخ می‌دهد. افزون بر آن، حکومت است که از نهادهای زیرمجموعهٔ خود حمایتی گسترده می‌کند (اگرچه ممکن است شهروندان آن حکومت طرفدار دولت فعلی نباشند) و مفهوم عدالت را علناً به رسمیت می‌شناسد.^۲ خلاصه آنکه بحث درباره حکومتی است که بسیار شبیه کشوری از حکومت‌های لیبرال

1. Rawls, John. 1999. *A Theory of Justice*. Revised ed. Cambridge (Mass.): Belknap Press of Harvard University Press. 310.

2. Ibid. 339.

دموکراتیک غربی امروزی است. علت توجه ما بر چنین چیزی این است که تعدادی از استدلال‌های مطرح شده در این کتاب را باید بسیار دستکاری کرد که متناسب با اوضاع و احوال‌های غیرآرمانی در بیاید. مثلاً لازم است استدلالی که در فصل ششم به نفع الزامی بودن به صدا درآوردن سوت مطرح می‌شود متناسب با حکومتی غیرآرمانی تغییر کند. در چنین حکومت [غیرمطلوبی] عمل سوت‌زنی ممکن است در واقع خود فرد و عزیزانش را در خطر جسمانی قرار دهد و در چنین شرایطی حکم به الزامی بودن سوت‌زنی حکمی است شاق و طاقت‌فرسا. به همین دلیل استدلال‌هایی که در این کتاب مطرح می‌شود صرفاً متناسب حکومت‌هایی تقریباً عادل (یا تقریباً آرمانی) است.

می‌توان به این قسم از سوت‌زنی^۱ از منظرهای گوناگونی نگریست. بسیاری از افراد افشاگری‌هایی نظیر کار اسنودن را از منظرگاهی حقوقی بررسی می‌کنند،^۲ درباره قانونی بودن یا غیرقانونی بودن، موافقت یا مخالفت افشاگری‌های خاص با قانون اساسی تحقیق می‌کنند، قوانین موجود صیانت از سوت‌زنان را در جوامع مختلف مقایسه می‌کنند، نواقص قوانین محرمانه موجود و روندهای طبقه‌بندی کردن را مدنظر قرار می‌دهند و در بعضی مواقع نیز پیشنهادهایی اصلاحی برای

۱. از حالا به بعد هرگاه می‌نویسم «سوت‌زنی» مرادم «سوت‌زنی عمومی طبقه‌بندی‌شده» خواهد بود مگر اینکه ذکر کنم مقصود دیگری دارم.

۲. در سبک و سیاق آمریکایی مثلاً رجوع کنید به:

Benkler 2014; Fenster, Mark. 2012. Disclosure's Effects: WikiLeaks and Transparency. *Iowa Law Review* 97: 753–807; Kitrosser, Heidi. 2008. Classified Information Leaks and Free Speech. *University of Illinois Law Review* 2008: 881–931; Pozen, David E. 2010. Deep Secrecy. *Stanford Law Review* 62: 257–339. In the European context, see: Kagiarios, Dimitrios. 2015. Protecting “National Security” Whistleblowers in the Council of Europe: An Evaluation of Three Approaches on How to Balance National Security with Freedom of Expression. *The International Journal of Human Rights* 19: 408–28; Voorhoof, Dirk. 2015. Freedom of Journalistic News-Gathering, Access to Information and Protection of Whistle-Blowers under Article 10 ECHR and the Standards of the Council of Europe. In *Journalism at Risk: Threats, Challenges and Perspectives*, 105–40. Strasbourg: Council of Europe Publishing.

سیاست‌ها و قوانین موجود ارائه می‌دهند. گروه‌های حامی^۱ مثل [سازمان] شفافیت بین‌الملل،^۲ بنیادهای جامعه‌ی باز^۳ و انجمن قلم آمریکا^۴ نیز از منظر حقوقی درباره این موضوع تحقیق می‌کنند، اما اغلب عنصری جامعه‌شناختی (مثلاً سوت‌زنان در کشورهای مختلف چگونه روزگار می‌گذرانند؟ در کشورهای گوناگون چه تصویری درباره آن‌ها وجود دارد؟) و البته جنبه‌ای حمایتی (معمولاً مطالبه‌ی شفافیت بیشتر در دولت، حق بشر برای دانستن، و قوانینی محکم‌تر و قابل اعتمادتر برای حفاظت از سوت‌زنان) را به مطالعه این موضوع می‌افزایند.

اما اثر حاضر با اینکه از کارهای حقوق دانان و گروه‌های حامی در این موضوع مطلع است، رویکرد متفاوتی به پرسش از سوت زنی دارد؛ پرسش‌هایی که کتاب فعلی مطرح می‌کند سرشتی اخلاقی دارند؛ پرسش‌هایی نظیر: «سوت زنی تحت چه شرایطی از نظر اخلاقی موجه خواهد بود؟»، «اصلاً چرا نیاز است سوت زنی از توجیه اخلاقی برخوردار باشد؟»، «آیا سوت زنی به نوعی از نظر اخلاقی نادرست است؟»، «آیا سوت زنی کردن ممکن است حقی (حقوقی و/یا اخلاقی) باشد؟»، «آیا ممکن است زمانی فرا برسد که فرد ملزم باشد سوت را به صدا درآورد؟»، «ما چگونه باید تعارض وظایف را برطرف کنیم؟ (مثلاً از طرفی موظفیم با انتقاد علنی جلوی تخلفات بزرگ دولت را بگیریم و به این تخلفات پایان دهیم، و از طرف دیگر وظایفی حقوقی، شغلی و برخاسته از تعهد داریم که از سوت زنی خودداری کنیم)». با اینکه این کتاب اساساً پرسش‌هایی از این قبیل را بررسی می‌کند، همچنین بینش‌های حاصل از این تحقیق اخلاقی را با واقعیت حقوقی

۱. advocacy group: گروه حامی یا گروه فشار یا گروه ذی‌نفوذ به جمعی از افراد با هدف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشترک گفته می‌شود که برای تحقق اهداف خود سازمان‌های دولتی را تحت فشار قرار می‌دهند. این گروه‌ها تأثیر غیرمستقیم در سیاست دارند چرا که خودشان خارج از چرخه قدرت قرار دارند و از راه‌های گوناگونی (مثل فشار افکار عمومی) برای تحت فشار گذاشتن مسئولان استفاده می‌کنند تا در تصمیمات فعلی تغییر ایجاد کنند. (م)

2. Transparency International

3. Open Society Foundations

4. PEN American Center

که درباره سوت زنان وجود دارد پیوند می‌زند و بعضاً حتی پیشنهادهایی کاربردی [انضمامی] برای بهبود اوضاع مطرح می‌کند.

نگاهی اجمالی به قوانین، سیاست‌ها و اسناد راهنمای موجود درباره سوت زنی بی‌درنگ آشکار خواهد کرد که چرا این مسئله به تحلیل‌های فلسفی مستمر، نیازی فوری دارد. همان‌طور که ذکر شد این کتاب درباره سوت‌زنی درون‌سازمانی یا سوت‌زنی برون‌سازمانی از طریق پیگیری تخلفات از مجاری نظارتی مناسب نیست، بلکه توجه این کتاب به افشاگری‌های غیرقانونی از اسرار دولتی نزد رسانه‌هاست. اغلب در متون حقوقی و اسناد سیاسی به نحوی نه چندان رضایت‌بخش از این پرونده‌های دشوار بحث شده است. مثلاً توصیه‌نامهٔ شورای اروپا^۱ در سال ۲۰۱۴ درباره حفاظت از سوت‌زنان صرفاً از «طرح یا قوانین خاصی، مثل حقوق و وظایف اصلاح‌شده، درباره اطلاعات مربوط به امنیت ملی، دفاع، سرویس‌های اطلاعاتی، نظم عمومی یا روابط بین‌المللی دولت» سخن می‌گوید.^۲ قانون سال ۲۰۰۹ هلند درباره شکایت از تخلفات از سوی کارمندان دولت (از جمله کسانی که در جامعهٔ اطلاعاتی کار می‌کنند) به امکان افشاگری از طریق رسانه‌ها حتی اشاره هم نکرده است.^۳ قانون عمومی سال ۲۰۱۶ هلند درباره صیانت از سوت‌زن می‌گوید تصمیم‌گیری درباره صیانت از افشاگری‌هایی که نزد رسانه‌ها انجام می‌شود باید به صورت موردی و با کمک قوانین پرونده‌ای^۴ دادگاه حقوق بشر اروپا^۵ (ECtHR) و توصیه‌نامه‌های شورای

1. Council of Europe

2. Committee of Ministers of the Council of Europe. Protection of Whistleblowers: Recommendation CM/Rec(2014)7 and explanatory memorandum. 7. Available at: <https://rm.coe.int/16807096c7>

3. Binnenlandse Zaken. Besluit melden vermoeden van misstand bij Rijk en Politie (Decree regulating the addressing of wrongdoing by civil servants) (2009).

۴. Case law: به مجموعه تصمیمات حقوقی ای گفته می‌شود که پیش‌تر درباره پرونده‌هایی مشابه اتخاذ شده است. دادگاه‌ها این قوانین را تهیه می‌کنند و در این مجموعه قانون را با استفاده از این پرونده‌ها تحلیل می‌کنند تا در تصمیم‌گیری درباره پرونده‌های مبهم کنونی راه‌گشا باشد. (م)

5. European Court of Human Rights

اروپا که پیش‌تر ذکر شد انجام پذیرد.^۱ مورد دوم کمک چندانی نمی‌کند چرا که صرفاً می‌گوید هنگامی که افشاگری نزد رسانه‌ها «ضروری بود» باید از آن صیانت شود.^۲ با این حال، اینکه چه زمانی صیانت ضروری می‌شود روشن نشده است. اما درباره قوانین پرونده‌ای دادگاه حقوق بشر اروپا نیز باید گفت احکام این پرونده‌ها (۱) همیشه واضح و روشن نیستند و (۲) همواره احکام پرونده‌های مشابه با یکدیگر سازواری ندارند. درباره مسئله روشن نبودن احکام این پرونده‌ها مثلاً دادگاه درباره دادخواست گوجا علیه مولداوی^۳ استدلال می‌کند که اگر افشاگری‌های غیرقانونی از اسرار دولتی «تخلفی در حوزه منافع عمومی» را ثابت کنند، باید از آن‌ها صیانت شود.^۴ با این حال، اینکه منظور از عبارت «تخلفی در حوزه منافع عمومی» دقیقاً چیست و چرا می‌تواند سوت‌زنی را موجه گرداند روشن و شفاف نشده است. بنابراین، اینکه کدام افشاگری‌ها در خدمت منافع عمومی‌اند و کدام یک این‌طور نیستند همچنان پرسشی گشوده باقی می‌ماند و تصمیم‌گیری در این خصوص عمدتاً بر عهده قاضی (یا قضات) مربوط خواهد بود. مسئله دوم، یعنی ناسازواری دادگاه، با بیان این مطلب روشن خواهد شد: در همان پرونده دادخواست گوجا علیه مولداوی استدلال شده است که یک گزارش صرفاً زمانی از روی حسن نیت است که انگیزه فرد از ارائه‌اش نفرت

1. Kamerstukken II 2014/15, 23.

2. Council of Europe 2014, 14.

۳. لکوب گوجا (Iacob Guja) متولد سال ۱۹۷۰ ساکن کیشیناو و رئیس اداره مطبوعات دفتر دادستان کل مولداوی بود. او در حین خدمت دو نامه اداره را در اختیار یکی از روزنامه‌ها می‌گذارد و این نامه‌ها از سوی روزنامه منتشر می‌شود. گوجا به همین دلیل برکنار می‌شود و طی دادخواستی به دادگاه حقوق بشر اروپا به برکناری خود معترض می‌شود. ابعاد مختلف این پرونده (درباره محرمانه بودن آن نامه‌ها و ضروری بودن این افشا) در دادگاه حقوق بشر اروپا بررسی شده است. (م)

4. European Court of Human Rights (ECtHR) (Grand Chamber). Guja v. Moldova. February 12, 2008. Application no. 14277/04. § 74.

دادگاه از شش معیار استفاده می‌کند تا درباره محدودیت‌های خاص حق آزادی بیان سوت‌زنان تحت بند ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپا قضاوت کند.

[از کسی] یا تمنای دستیابی به آورده‌ای شخصی نباشد.^۱ با این حال، سه سال بعد دادگاه در پرونده دادخواست هاینیش علیه آلمان^۲ گفت خانم هاینیش در گزارش کردن بدرفتاری، با حسن نیت عمل کرده است حتی با وجود اینکه بخشی از انگیزه‌اش در این کار بهبود وضعیت کاری شخص خودش بوده است.^۳ بنابراین، قوانین پرونده‌ای دادگاه حقوق بشر اروپا در تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا سوت‌زنان استحقاق صیانت دارند یا خیر نمی‌تواند راهنمای چندان قابل اعتمادی باشد.

چند نهاد و گروه قضایی فهرست‌هایی از معیارها را تهیه کرده‌اند که افشاگری غیرقانونی اگر می‌خواهد موجه و در نتیجه مقتضی صیانت باشد باید این معیارها را داشته باشد. مشکل این جاست که معیارهای موجود در این فهرست‌ها با همدیگر هماهنگ و سازوار نیستند. مثلاً فهرستی که قانون صیانت از سوت‌زنی هلند^۴ و دادگاه حقوق بشر اروپا تهیه کرده‌اند حسن نیت را یکی از معیارها می‌داند، حال آنکه در فهرست مصوبه افشاگری منافع عمومی انگلستان (PIDA) و اصول تشوانه^۵ بنیادهای جامعه باز، چنین معیاری به چشم نمی‌خورد.^۶ برخی از این فهرست‌ها در سبک‌وسنگین کردن فواید یک افشاگری خاص (فوایدی که برای منافع عمومی به ارمغان می‌آورد) و آسیب‌های احتمالی‌اش،

1. ECtHR. *Guja v. Moldova*. § 77.

2. Ms. Heinisch

3. ECtHR. *Heinisch v. Germany*. July 21, 2011. Application no. 28274/08. §83.

4. *Staatsblad van het Koninkrijk der Nederlanden*. Jaargang 2016. Wet Huis voor klokkenluiders. Article 18.

5. منظور اصول جهانی در باب امنیت ملی و حق آگاهی است که به اصول تشوانه نیز معروف است. تشوانه نام جدید پایتخت آفریقای جنوبی است که در لغت به معنای «همه مثل هم هستیم» است. جلسه نهایی‌ای که این اصول در آن به تصویب رسید در شهر تشوانه برگزار شد و از این رو به نام اصول تشوانه معروف شده است. (م)

6. «انگیزه از افشاگری‌ای که از آن صیانت می‌شود بی‌اهمیت است، مگر در مواردی که اثبات شود افشاگری عمداً خلاف واقع بوده است»

(Open Society Foundations. 2013. *The Global Principles on National Security and the Right to Information* (Tshwane Principles). Available at: <https://www.opensocietyfoundations.org/publications/global-principles-national-security-and-freedom-information-tshwane-principles>. Principle 38b.)